

دکتر سیدامیر رون
دکترای برنامه ریزی درسی

یادگیری لذت بخش و کارا

پرسیده‌اید چرا این گونه است؟ آموزش و پرورش در هر جامعه یکی از نهادهای تأثیرگذار است که انتظار داریم به‌طور متوازن و متعادل به پرورش جنبه‌های مختلف وجودی انسان توجه داشته باشد و زمینه‌ها و اسباب لازم را برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان فراهم سازد تا آن‌ها با بهره‌گیری و استفاده از فرصت‌ها و امکانات بتوانند با توجه به تغییر و تحولات آینده، ویژگی‌ها و مهارت‌های لازم را برای زندگی مطلوب کسب کنند.

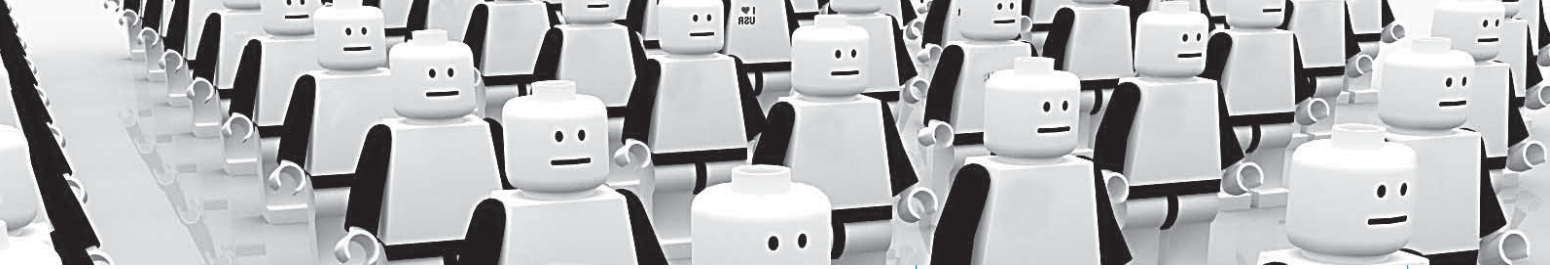
برخلاف این انتظار، اکثر نظام‌های آموزشی به دلیل محدودنگری، بر پرورش برخی جنبه‌های رفتاری و شناختی دانش‌آموزان تأکید می‌کنند و سایر ابعاد وجودی آن‌ها را نادیده می‌گیرند و یا کمتر به آن‌ها می‌پردازند. در نتیجه تمایل به یادگیری، رشد و شکوفایی که در تمامی انسان‌ها وجود دارد و ضرورت برخورد مناسب با مسائل زندگی را که یکی از نیازهای قرن حاضر است، به یک فعالیت در شرایط ملال آور تبدیل می‌شود.

کودکان با ورود به مدرسه تغییر نقش می‌دهند و از افرادی فعال، بانشاط و اهل جنب و جوش و پرسشگر، که با سؤالات مکرر خود گاهی بزرگ‌ترها را خسته می‌کنند، به انسان‌هایی منفعل، آرام، ساکت، دریافت‌کننده و حافظه‌محور تبدیل می‌شوند. آن‌ها به تدریج تمایل طبیعی و انگیزه و تلاش برای یادگیری را از دست می‌دهند و به جای تفکر و تعقل ناچار می‌شوند مطالب را حفظ کنند، به خاطر آورند و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی، دانسته‌های خود را ارائه کنند و با کسب نمره و درجه خوب، تأیید و تشویق دیگران را به دست آورند. با این امید واهی که برای زندگی در زمان بزرگسالی آماده می‌شوند.

نتیجه این روند با افزایش سال‌های تحصیلی قابل پیش‌بینی است. شور و شوق ورود به دبستان به تدریج کاهش می‌یابد تا جایی که پایان ساعات آموزشی روزانه، نیم‌سال تحصیلی و سال تحصیلی به لذت‌بخش‌ترین لحظات زندگی دانش‌آموزی تبدیل می‌شود. قطعاً تاکنون بارها از خود

کلیدواژه‌ها:

یادگیری، یادگیری لذت‌بخش و کارا، حیات طیبه، فطرت



شناخت آن را دارد.

خداوند این توانایی را به انسان عطا کرده است. دعوت به تعقل و شناخت ابعاد و مراتب مختلف هستی و اشاره به پدیده‌های آفاقی و انفسی در قرآن، نشان از قدرت بشر برای کشف فعل خداوند دارد. (سوره دهر، ۲) همچنین، اشاره قرآن به تعلیم و تربیت بشر توسط خداوند، دلالت بر فعلیت یافتن این استعداد دارد. توانایی تعقل و کسب آن توسط انسان، زمینه تشخیص انتخاب‌گری، تعالی، مسئولیت‌پذیری و کرامت را در انسان به وجود می‌آورد و در نتیجه سجود فرشتگان را در برابر او به دنبال آورده است (سوره بقره، ۳۳-۳۱، الرحمن، ۴ و علق، ۵).

مطابق سند مبانی نظری تحول بنیادین، برخی از مهم‌ترین مفروضه‌های فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی به شرح زیرند:

۱. جهان هستی واقعیت دارد و منحصر به طبیعت نیست؛
۲. خداوند مبدأ، غایت، مالک، مدبر و رب جهان هستی است؛
۳. خداوند خیر بنیادین و هدایت‌کننده به کمال است و اراده او بر نظام احسن هستی حاکمیت دارد؛
۴. وجود نظام علیت (مادی، معنوی)، دگرگونی و حرکت مداوم، هدفمند و ذی‌شعور، همچنین محدودیت و فناپذیری از ویژگی‌های جهان خلقت است؛
۵. انسان موجودی در هم تنیده از جسم و روح است. روح موجودی جاودانه است؛
۶. انسان دارای فطرات الهی (قابل فعلیت یافتن یا فراموشی) است (اشاره به آیه نفخت فیه من روحی)
۷. انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار از جانب خداوند است. در عین حال تفاوت و محدودیت در استعدادها نیز دیده می‌شود؛
۸. انسان دارای استعدادهای متنوع و قابل رشد است. فطرتاً موجودی کمال‌طلب، یادگیرنده و اجتماعی است؛
۹. انسان در نتیجه تربیت، موجودی مسئولیت‌پذیر خواهد شد؛
۱۰. تفکر و تعقل، میل و باور، معرفت و اراده و عمل همراه با اخلاق عناصر اصلی تکوین و تعالی هویت انسان است؛

اکنون این سؤال اساسی مطرح می‌شود که شرایط یادگیری لذت‌بخش و کارا چگونه به دست می‌آید؟ برای دستیابی به پاسخ این سؤال باید ابتدا به این سؤالات پاسخ بدهیم: نظریه‌های اصلی یادگیری مختلف به مقوله یادگیری چگونه می‌نگرند؟ تابع چه اصول اعتقادی و ارزشی هستند؟ و چه مقاصد و هدف‌هایی را دنبال می‌کنند؟

پاسخ به سؤالات مطرح شده را می‌توان در مبانی فلسفی این دیدگاه‌ها جست‌وجو کرد. در واقع مبانی نشان می‌دهد که در بحث‌های فلسفی تعلیم و تربیت، به هستی، انسان، معرفت انسان، ارزش‌ها و جامعه چگونه نگاه می‌شود؟ و نظام تعلیم و تربیت به چه سمت‌وسویی باید حرکت کند؟ به عبارت دیگر می‌توان گفت مبانی جهت‌دهنده کلیه اجزا و عناصر نظام تعلیم و تربیت به ویژه مؤلفه یادگیری است.

در این مقاله تلاش می‌شود که با بررسی اجمالی مبانی فلسفی، علمی و مفروضات، اصول و نظریه یادگیری فطرت‌گرای توحیدی با رویکرد تحولی و مطابق اسناد مصوب تحول بنیادین آموزش و پرورش در یک نگاه مقایسه‌ای با دیگر نظریه‌های یادگیری به سؤالات اشاره شده پاسخ داده شود.

مبانی فلسفی نظریه یادگیری فطرت‌گرای توحیدی

همان‌طور که یک ساختمان بلند برای استحکام خود نیاز به پی محکم دارد تا بر آن استوار گردد، بنای تعلیم و تربیت در یک جامعه نیز باید بر پایه‌ای محکم بنا شود تا دوام و بقای آن تضمین گردد و چه مبنایی مستحکم‌تر از مبانی عمیق و اصیل مکتب جامع اسلام که ریشه الهی داشته و با مبانی عقلی سازگار است. لذا نظریه یادگیری فطرت‌گرایی توحیدی نشئت گرفته از منابع ناب دین مبین اسلام بوده و با توجه به اسناد تحولی، بدین قرار توصیف شده است:

همچنان که وجود واقعیاتی خارج از ذهن، برای هر انسان امری بدیهی و تردیدناپذیر است، امکان شناخت این واقعیات (دستیابی و شکل‌گیری علم و معرفت) نیز امری است بدیهی که جای انکار و حتی تردید ندارد. به بیان دیگر، جهان هستی قابل شناسایی است و انسان نیز توانایی درک و

دعوت به تعقل
و شناخت ابعاد
و مراتب مختلف
هستی و اشاره به
پدیده‌های آفاقی
و انفسی در قرآن،
نشان از قدرت بشر
برای کشف فعل
خداوند دارد

نظام آموزشی برای
فراهم کردن بستر
شکوفایی فطرت،
هم باید معلمان و
مربیان شایسته
را به امر تعلیم و
تربیت بگمارد و هم
برنامه‌ها و امکانات
و شرایط مناسب
تربیتی را برای آن
آماده کند

پنجم برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰). این رویکرد نگاه جامع و کاملی به انسان می‌نماید و رشد ابعاد جسمانی و روحانی او را مدنظر دارد.

کلمه «فطرت» ریشه قرآنی دارد و در آیه ۳۰ سوره مبارکه روم چنین می‌خوانیم:

«فأقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله: پس روی خویش را به سوی دین یکتاپرستی فرادار، در حالی که حق گرای باشی. به همان فطرتی که خدا مردم را بر آن آفریده است. آفرینش خدا را دگرگونی نیست.» در قرآن کریم مشتقات کلمه «فطر» به صورت‌های گوناگونی به کار رفته است. اما کلمه «فطرت» فقط یک‌بار در آیه فوق آمده است. «فطر» در عربی به معنای شکافتن و آفریدن ابتدایی و بدون سابقه است. بنابراین فطرت به معنای سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان است و امور فطری، یعنی آنچه نوع آفرینش انسان اقتضای آن را داشته و بین همه انسان‌ها مشترک است. خاصیت امور فطری آن است که اولاً اکتسابی نیست، ثانیاً در عموم افراد وجود دارد، ثالثاً تبدیل یا تحول‌پذیر نیست، گرچه شدت و ضعف می‌پذیرد.

این آیه بیان می‌دارد که حق‌گرایی و تمایل به پذیرش دین حق در سرشت و ذات انسان‌ها نهفته است و اگر شرایط بیرونی فراهم باشد، آثار آن بروز و ظهور پیدا می‌کند. کاری که پیامبران الهی می‌کنند بیدار کردن همین فطرت الهی نهفته در درون انسان‌هاست. همان‌طور که یک غنچه گل

۱۱. انسان دائماً در معرض انواع مخاطرات، وسوسه‌ها و تهدیدهای بیرونی و درونی در زندگی است و لذا نیازمند استعانت از خدای متعال و بهره‌مندی از راهنمایی و مساعدت انسان‌های رشدیافته است؛

۱۲. منابع شناخت آدمی متعدد است، شامل وحی (قرآن و عترت)، عقل، قلب، طبیعت و جامعه؛ ۱۳. ابراز شناخت آدمی عبارت‌اند از: تفکر و تعقل، شهود و مکاشفه، حواس و خیال؛

۱۴. دست‌یابی به زندگی پاک و مطلوب (حیات طیبه) تنها بر اساس انتخاب و التزام آزادانه و آگاهانه به نظام معیار که ارزش‌های مقبول دین حق (عقل و فطرت، قرآن و سنت) است، امکان‌پذیر است؛

۱۵. علم انسان دارای اقسام حقیقی و اعتباری است و مراتب و سطوح مختلف دارد. به عبارت دیگر، ضمن اینکه نوعی فهم مشترک جهانی در برخی از علوم وجود دارد، در حوزه‌هایی مانند حقوق، اخلاق، باورهای دینی و... تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در عین حال علم و معرفت دارای سطوح مختلفی است.

رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی، به معنای

زمینه‌سازی لازم و مناسب جهت شکوفایی فطرت الهی انسان به منظور دستیابی به مراتبی از نفس مطمئنه (مراتب یقین) از طریق درک و استفاده مطلوب از موقعیت در راستای تحقق حیات طیبه (زندگی پاک فردی و اجتماعی) است (نگاشت

اگر زمینه و شرایط مناسب برای پرورش و تربیت فراهم باشد، فطرت انسان شکوفا و انسانیتش متجلی می شود (بروز و ظهور پیدا می کند) و اگر شرایط فراهم نباشد به خاموشی و ضعف می گراید

روح انسان شناخته شده و در کتب و منابع انسان شناسی در مورد آن ها بحث شده است متعدّدند. معروف ترین آن ها به شرح زیرند:

۱. **حقیقت جویی و عقلانیت:** که به دنبال کنجکاو میل به یادگیری، شناخت حقایق و جدا کردن حق از باطل است.

۲. **زیبایی دوستی،** که طالب شناخت زیبایی های مادی، رفتاری و معنوی و خلق آثار زیبا و زیبایی بینی و فضیلت دادن به آن در برابر زشتی است. حب الهی و اطاعت از اوامر کمال مطلق، علاقه به هنر و مقابله با زشتی ها از این میل و استعداد ناشی می شود.

۳. **خداجویی و پرستش و کمال گرایی:** که عبودیت و پرستش حقیقت مطلق ناشی از این گرایش فطری است.

۴. **گرایش به فضایل اخلاقی:** میل به فضائل و ارزش های اخلاقی مانند عدالت و بیزاری از ظلم، بی عدالتی، نفاق و ... از این میل فطری سرچشمه می گیرد.

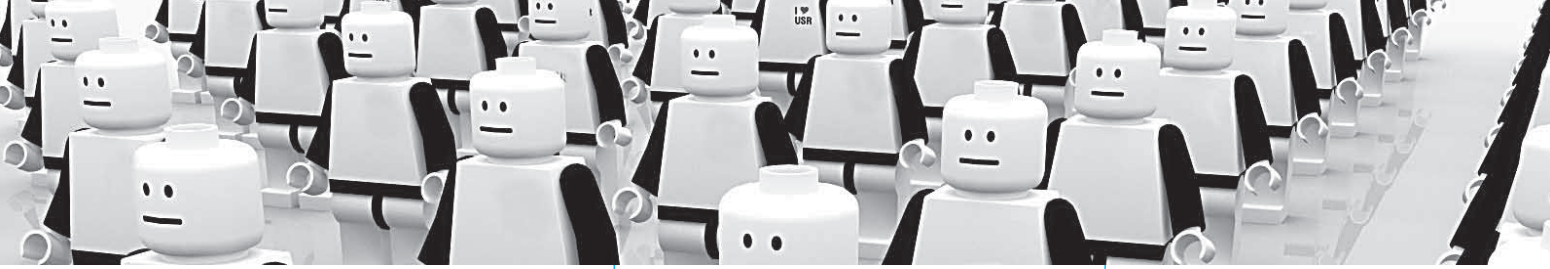
البته باید به تفاوت «فطرت» که مخصوص انسان است و جنبه روحی دارد، یعنی تمایلات فطری کشش های روحانی توجه داشت. در حالی که «غریزه» کشش های نفسانی است و مشترک بین انسان و حیوان است. این رویکرد ما را به سمت مهم ترین چرخش های تحول آفرین یادگیری (جدول شماره ۱) و تمایز آن با نظریه های یادگیری دیگر (جدول شماره ۲) سوق می دهد.

در شرایط مناسب می شکفتد و تبدیل به گل، میوه و دانه می شود و به ثمر می نشیند. اما در شرایط نامناسب یا در اثر آفت هایی ممکن است قبل از شکفتن از بوته جدا شود و از بین برود. فطرت آدمی نیز چنین است.

اگر زمینه و شرایط مناسب برای پرورش و تربیت فراهم باشد، فطرت انسان شکوفا و انسانیتش متجلی می شود (بروز و ظهور پیدا می کند) و اگر شرایط فراهم نباشد به خاموشی و ضعف می گراید. وقتی فطرت شکوفا نشود و ابعاد ویژه روح انسانی بروز و ظهور پیدا نکند، غرایز حیوانی یکه تاز میدان وجود آدمی می شوند و جنبه های نفسانی (شهوات) را تقویت می کنند و توسعه می بخشند و انسان را در ردیف بهائم قرار می دهند.

محیط مناسب تربیتی زمینه ساز شکوفایی فطرت است و مربیان شایسته و آگاه در این شکوفاسازی نقش بی بدیلی دارند. بنابراین نظام آموزشی برای فراهم کردن بستر شکوفایی فطرت، هم باید معلمان و مربیان شایسته را به امر تعلیم و تربیت بگمارد و هم برنامه ها و امکانات و شرایط مناسب تربیتی را برای آن آماده کند. از ویژگی های امور فطری آن است که هر کسی آن ها را به علم حضوری در وجود خود احساس می کند و نیاز به استدلال کردن بر وجود آن ها نیست اما ممکن است انسان ها متوجه این ابعاد نباشند و ارتباط آن ها را با فطرت درک نکنند. ابعادی که تاکنون به عنوان ابعاد فطری

- * منابع
۱. سیف، علی اکبر (۱۳۸۰). روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش)، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
 ۲. شعبانی، حسن (۱۳۷۹)، مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس)، تهران: انتشارات سمت.
 ۳. گانیه، آرام، بریگز، لسللی جی، و دیگر، والتر دبلیو (۱۳۷۴)، اصول طراحی آموزشی، ترجمه علی آبادی، خدیجه. تهران: نشر دانا.
 ۴. شین، سنیتا؛ بولاک، جولین و رایگوت، چارلز (۱۳۷۴)، راهبردها و فنون طراحی آموزشی، ترجمه فردانش، هاشم. تهران: انتشارات سمت.
 ۵. دیناروند، حسن (۱۳۹۰)، طراحی آموزشی برای اثربخشی تدریس، تهران: انتشارات آبیژ.
 ۶. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
 ۷. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (۱۳۹۰)، برنامه درسی ملی (نگاشت پنجم)، تهران.

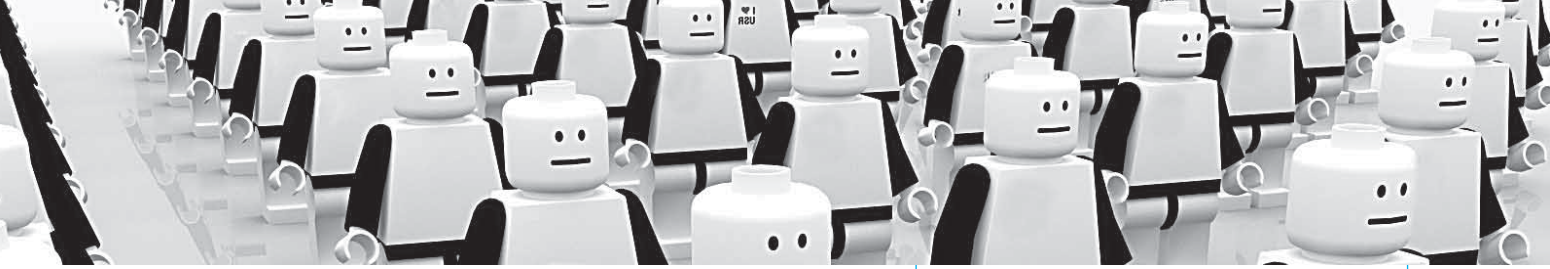


جدول ۱. چرخش‌های تحول‌آفرین

مؤلفه‌های اساسی	برنامه درسی بر رویکرد سنتی (موجود)	برنامه درسی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی (مطلوب)
دانش‌آموز	<ul style="list-style-type: none"> - یادگیرنده منفعل، منتظر سؤال، دریافت‌کننده اطلاعات، حافظه‌محور و متقلب‌کننده هر آنچه که دریافت کرده است؛ - آرام، ساکت، کم‌تحرک و بدون انگیزه و تلاش و فردگرا؛ - پذیرنده انفعالی شرایط زندگی و هنجارمردا؛ - وابسته به کنترل و تأیید دیگران. 	<ul style="list-style-type: none"> - مثری فعال؛ سؤال‌کننده، متفکر، عامل، خلاق و کاوشگر؛ - بانشاط، اهل جنب‌وجوش؛ با انگیزه و تلاشگر؛ مشارکت‌جو؛ - به‌دنبال ارتقای موقعیت (هویت معنایی)، حضور فعال در زندگی، معیارمدار (ارزش‌های اصلی دین)؛ - خودپایا (مقتی)، مسئولیت‌پذیر و خودآزایب و خودپاییش.
معلم	<ul style="list-style-type: none"> - انتقال‌دهنده اطلاعات، وفادار به کتاب درسی؛ - آموزش نظری، غیرمنعطف (خشک) و دانش‌محور. 	<ul style="list-style-type: none"> - تسهیل‌کننده یادگیری، مربی و الگوی امنی و موقعیت‌مدار؛ - خالق فرصت‌های تربیتی و آموزشی جذاب، متنوع و شایستگی‌مدار.
محتوا	<ul style="list-style-type: none"> - کتاب درسی محوری، موضوع‌محوری و به‌صورت رشته‌های مجزا؛ - تأکید بر علوم رشته‌ای برای ورود به دانشگاه؛ - مواد آموزشی عمدتاً شامل کتاب درسی و کتاب راهنمای معلم. 	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه‌محوری، ایده‌های اساسی مبتنی بر شایستگی‌ها، فراشته‌ای؛ - تلفیق و یکپارچه‌نگری علوم و کاربرد آن در زندگی؛ - منابع و مواد درسی و تربیتی متنوع، بسته آموزشی تعاملی و بویا.
محیط	<ul style="list-style-type: none"> - مدرسه و کلاس با قواعد سخت و زمان محدود و دروس خشک و یکرنگ؛ - خانه محل انجام تکالیف درسی نوشتنی؛ - مدیریت مدرسه امرانه، غیرمنعطف و دستورالعملی. 	<ul style="list-style-type: none"> - مدرسه و کلاس محل امن و غنی و زمان مطبوع برای کسب بهترین فرصت‌ها و تجربیات زندگی؛ - تعامل مستمر و مؤثر مدرسه، خانواده، محله و رسانه ملی برای کسب شایستگی‌های پایه؛ - بهره‌گیری از مراکز متنوع اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و فرهنگی؛ - مدیریت مدرسه راهبر آموزشی و تربیتی، دارای سعه صدر و صلاحیت حرفه‌ای.

جدول ۲. مقایسه چهار دیدگاه از حث مؤلفه‌های اصلی آن

دیدگاه	تعریف و شاخص‌های دیدگاه	آرمان دیدگاه	تلقی نسبت به یادگیرنده (دانش‌آموز)	تلقی نسبت به فرایند یادگیری	تلقی نسبت به محیط یادگیری	تلقی نسبت به یاددهنده (معلم)	تلقی نسبت به ارزشیابی یادگیری	
رفتاری	ایجاد رفتارهای مطلوب و کاستن از رفتارهای غیرمطلوب، تأکید بر آموزش قابلیت‌مدار، یادگیری بر مبنای آموزش برنامه‌ای، شکل‌دهی رفتار دانش‌آموزان، کنترل رفتارهای روانی، یادگیری در حد تسلط و ایجاد قابلیت‌های خاصی در نزد دانش‌آموزان	اکتساب قابلیت‌های خاص در قلمروهای شناختی، عاطفی، روانی حرکتی، به‌وسیله دانش‌آموزان	موجودی که می‌تواند در اکتساب قابلیت‌های گوناگون توفیق یابد در یادگیری در حد تسلط انتظار این است که دانش‌آموزان به بالاترین توانایی برسند.	شناسایی قابلیت‌های مطلوب، طراحی آموزش به‌منظور انتقال برنامه و دستیابی به هدف‌ها، ارزشیابی از طریق آزمون‌های مبتنی بر معیار	محیط یادگیری ساخت و بست از پیش تعیین شده‌ای دارد و در بسیاری از موقعیت‌ها انفرادی است، محیط مشوق رشد است، برنامه‌ها به بعد کوچک‌تری تقسیم می‌شوند.	تعریف قابلیت‌ها و طراحی آموزشی به منظور رسیدن دانش‌آموزان به سطح مطلوب قابلیت	آزمون مبتنی بر معیار و طراحی آزمون مربوطه از طرف معلم	تلقی نسبت به ارزشیابی یادگیری
شناختی	تقویت مهارت‌های شناختی، تأکید بر مشاهده، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزش‌یابی و سایر مهارت‌های ذهنی، تأکید بر رویکرد حل مسئله به‌عنوان مهم‌ترین مهارت	پروزش مهارت‌های فکری مانند استنباط کردن، تفکر نقاد، فرضیه‌سازی، تفکر جانبی	یادگیرنده اطلاعات را دست‌کاری می‌کند. یادگیرنده در جست‌وجوی معنا قرار دارد.	اصالت مهارت‌های ذهنی، برانگشت نسبت به فرایند آموزش برای رویکردهای مختلف متفاوت است	اصالت حواری مواد و منابع آموزشی است که مشوق فرایندهای شناختی گوناگون است.	معلمان باید به دقت تفکر کودکان را زیر نظر بگیرند. معلم باید به‌صورت انفرادی و در قالب گروه‌های کوچک با دانش‌آموز کار کند.	دانش‌آموز به ارزیابی نتیجه و نحوه ارائه آن در ارتباط با مسئله اصلی می‌پردازد.	تلقی نسبت به یادگیری



دیدگاه	تعریف و شاخص‌های دیدگاه	آرمان دیدگاه	تلفظ نسبت به یادگیرنده (دانش آموز)	تلفظ نسبت به فرایند یادگیری	تلفظ نسبت به محیط یادگیری	تلفظ نسبت به یاددهنده (معلم)	تلفظ نسبت به ارزشیابی یادگیری	
ساختن‌گرا	تاکید بر تجربه اجتماعی و انتقال فرهنگی جامعه‌پذیر کردن دانش آموزان، بررسی نقادانه موضوعات اجتماعی، تأکید بر آموزش‌وپرورش شهروندی، اعتقاد به تغییرات اجتماعی، پیشسازی نظام آموزشی در رواداری با مسائل اجتماعی	تربیت عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند.	تربیت عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند.	فرایند آموزش تحت کنترل معلم است. روش‌های اصلی تدریس همان رویکردهای آموزش مستقیم‌اند. در آموزش ارزش‌ها تکیه بر الگوبرداری دانش‌آموزان و اصرار بر خویشی است.	فرایند آموزش تحت کنترل معلم است. روش‌های اصلی تدریس همان رویکردهای آموزش مستقیم‌اند. در آموزش ارزش‌ها تکیه بر الگوبرداری دانش‌آموزان و اصرار بر خویشی است.	محیط شامل مواد و منابع آموزشی است که مشوق فرایندهای شناختی گوناگون است.	نظرات بر فرایند تفکر کودکان، کار با دانش‌آموزان به‌صورت انفرادی و گروهی، بررسی امور و تسهیل‌کننده شرایط و تشویق به استفاده از پرسش، مسئله و تفکر	قرار داشتن فرایندها و مهارت‌ها در کانون ارزشیابی و استفاده از مهارت‌های گوناگون برای حل آزمون‌ها
دیدگاه	تاکید بر تجربه اجتماعی و انتقال فرهنگی جامعه‌پذیر کردن دانش آموزان، بررسی نقادانه موضوعات اجتماعی، تأکید بر آموزش‌وپرورش شهروندی، اعتقاد به تغییرات اجتماعی، پیشسازی نظام آموزشی در رواداری با مسائل اجتماعی	تربیت عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند.	تربیت عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند.	فرایند آموزش تحت کنترل معلم است. روش‌های اصلی تدریس همان رویکردهای آموزش مستقیم‌اند. در آموزش ارزش‌ها تکیه بر الگوبرداری دانش‌آموزان و اصرار بر خویشی است.	محیط شامل مواد و منابع آموزشی است که مشوق فرایندهای شناختی گوناگون است.	نظرات بر فرایند تفکر کودکان، کار با دانش‌آموزان به‌صورت انفرادی و گروهی، بررسی امور و تسهیل‌کننده شرایط و تشویق به استفاده از پرسش، مسئله و تفکر	قرار داشتن فرایندها و مهارت‌ها در کانون ارزشیابی و استفاده از مهارت‌های گوناگون برای حل آزمون‌ها	

ادامه جدول ۲. مقایسه چهار دیدگاه یادگیری از حیث مؤلفه‌های اصلی آن